

فرهنگ فارسی

نامه ایست که جناب آقای سید حسن تقی زاده هفت سال پیش که سفیر کبیر ایران در لندن بوده اند بوزارت فرهنگ فرستاده اند و در تالیف فرهنگ فارسی متضمن نکاتی دقیق و کلی است .

سفارت شاهنشاهی ایران - لندن شماره ۵۶۱/۷/۳ - ۱۳۲۱/۳/۱۴

وزارت فرهنگ

البته باین نکته توجه لازم حاصل است که تا امروز بدبختانه کتاب لغت یا باصطلاح معروف قاموس یا فرهنگی مانند کتب لغت این عصر که برای هر زبانی موجود است برای زبان فارسی تهیه نشده است و یا اینجانب از وجود چنین کتاب لغتی اطلاع ندارم مقصود از کتاب لغت فارسی البته آنست که تمام کلماتی را که در مکالمه هر طبقه از مردم بزبان جاری است و یا در کتب فارسی دوره اسلامی آمده است حاوی باشد و معنی هر کلمه را به بیان واقعی و در مورد اشیاء جمادی و نبات و حیوان در صورت امکان با تصویر آنها توضیح نماید ، قطع نظر از اصل و منشاء که از کدام زبان غیر فارسی بزبان فارسی داخل شده است .

در لزوم وجود چنین کتاب لغتی شکی و اختلافی نمیتواند باشد و مخصوصاً حالا و بعد از این که بحمدالله گنجینه کتب فارسی از هزار سال تا کنون بوسیله طبع و نشر باز میشود و بدسترس عامه اهل معرفت میرسد ناچار خوانندگان باید معنی هر کلمه را که در کتابی مثلاً مانند چهار مقاله نظامی و قابوس نامه و تاریخ طبری فارسی و کتاب التوسل الی التوسل و تاریخ بیهقی و لباب الالباب عوفی و کتاب التفهیم بیرونی و تاریخ جهانگشای جوینی و جامع التواریخ رشیدی و صد ها کتب فارسی دیگر میآید بتوانند بدست بیاورند ، چه آن کلمات از اصل ایرانی یعنی فارسی بوده باشد و چه در اصل قدیم از ترکی یا عربی یا هندی یا ارمنی یا یونانی و یا سریانی بفارسی آمده باشد ، ولی مادامیکه در زبان فارسی رایج یا در کتب فارسی استعمال

شده باشد حتماً باید در کتاب لغت ماضبط شود مثلاً نه تنها فتق و چماق بلکه سیورسات و سیورغامیشی و نه تنها کلمات واضح و ظاهر و معلوم و صحیح و احوال و صبیح و عصر که فارسی مسلم هستند (و فقط در اصل قدیم هزار سال قبل عربی بوده اند) بلکه کلمات استقراء و صغری و کبری و جدل و خطابه و قیاس و استقراء و استنحاء و پنج هزار کلمه دیگر هم باید ضبط شود، همچنین کلمات مستعمل در افواه مانند قاب و الك و دولك و لنك و غیره و غیره نیز باید ثبت شود .

لکن این شرح بسیار مختصر که در چند کلمه عرض شد بسط وافی لازم دارد و در موقع خود میتوان باشباع بیان کرد و یقین است که مطلب کمابینغی بر دانایان مملکت و مخصوصاً کارکنان وزارت فرهنگ کاملاً معلوم است ، قصد بنده در اینجا اشاره بنکته مخصوصیست و آن اینست که بوجود آوردن چنین کتابی که در اعلی درجه مورد احتیاج مملکت بوده بلکه از قدمهای اولی اساسی معرفت در هر قومی است ، کار يك نفر و يك یا چند سال نیست و چون ظاهراً هیچ قدمی درین راه برداشته نشده پاخلیلی کم کار شده اقدام فوری و سریع خالی از اشکال نیست و اقلاً محتاج بدو مرحله است: یکی آنکه از طرفی بدو بقدر مقدور لغات فارسی اصلی بطور صحیح و دقیق بطریقه علمی جمع آوری شود و از طرف دیگر لغات ترکی معمول در فارسی قدیم یا جدیداً بدست یکنفر دیگر از اهل خبره و لغات مغولی بتوسط یکی دیگر تدوین شود . در باب لغاتی که از اصل عربی است اگر چه کتب لغت عربی وافی مثل لسان العرب و تاج العروس وجود دارد ناچار باید آن قسمت از این لغات که در کتب فارسی استعمال شده جدا گانه تدوین شود و معانی معمول در فارسی (نه معانی اصلی عربی) آنها معین گردد . پس آنگاه از ترکیب این سه یا چهار مجموعه يك کتاب لغت فارسی میتوان تألیف نمود . ثانیاً آنکه ظاهراً بهترین راه عملی آن خواهد بود که در طبع و نشر اول چنین کتابی در وهله اولی بحد اقل امکان اکتفا شود یعنی چون تکمیل واقعی کتاب مطلوب که بغایت جامعیت باشد در صورتی هم که اهل اینکار فعلاً وجود داشته باشد محتاج به سی چهل سال میشود (چنانکه لغت کامل انگلیسی معروف به لغت اکسفورد

در بیش از شصت سال تمام شد) بهتر آنست که بدو آده تا بیست هزار لغت تهیه نمود و کتاب لغتی بمقدار پانصد جلد مثلاً طبع و نشر شود و درین ضمن مؤلفین کتاب هم خود وهم باستعانت عموم خوانندگان و اهل علم بتدریج دنباله کار را گرفته و آنچه بتوانند بمروار زمان بر آن مایه اصلی افزوده اضافاتی یادداشت نمایند و چنانکه در مورد لغت اکسفورد سابق الذکر عمل شده هر چند کتاب فارسی از نظم و نشر را بیکی از اهل خبرت و محققین لایق کار تقسیم نموده و تقاضا شود بدقت از اول تا آخر آن چند نسخه را تجزیه و تشریح و اجزای لغات آنرا از هر قبیل بیرون نویسی کنند. مثلاً پانصد کتاب فارسی بصد نفر توزیع شود و بسدین طریق آنچه لغات و کلمات بدست آمد با طبع اول کتاب لغت تطبیق شود و هر چه در آنجا نیست یا هست ولی بمعنی و استعمال دیگری است بر آن اضافه نمایند و پس از یک یا دو سال یا هر وقت که نسخه های چاپی طبع اول کتاب تمام شد و بفروش رسید یک نسخه اصلاح و تکمیل شده که مثلاً یک یا دو یا سه هزار لغت اضافه بر اولی باشد باز بمیزان پانصد نسخه چاپ شود و باز مجدداً این عمل بهمان نحو اول تجدید و مداومت شود و پس از سه چهار سال هر وقتیکه نسخه های چاپی تمام شد طبع ثالثی باز با اضافه سه چهار یا پنج هزار لغت دیگر تهیه و طبع شود و باین قرار البته طبع پنجم کتاب بالنسبه کامل میشود و طبع دهم که شاید سه یا چهار برابر طبع اول خواهد بود نزدیک بکمال میرسد.

برای این مقصود رعایت یک نکته کمال اهمیت را دارد و آن اینست که در تهیه نسخه اول باید بیش از کمیت به کیفیت مندرجات اهتمام تمام بشود باین معنی که اگر طبع اول کتاب بجای سی هزار لغت بیست هزار و بلکه فقط ده هزار لغت را شامل باشد هیچ عیبی ندارد ولی البته البته باید نهایت سعی و غایت جهد و اقصی درجه اهتمام و اعلی مرتبه دقت فوق العاده و بلکه مفرط بعمل آید که هر لغتی کاملاً و بحد اکمل صحیح و بی عیب و اشتباه و خالی از غلط و خبط بوده مورد انتقاد علما نشود و بر طبق حکم و تمیز اهل تحقیق و تدقیق درجه اول از علمای زبان شناسی و اساتید عالیقدر درست بوده باشد.

در مورد کلمات عربی الاصل اینکار شاید در ایران خارج از امکان نباشد چه اشخاص متبحری در لغت عربی کم و بیش پیدا میشوند و وسایل نیز ممکن است فراهم شود از قبیل کتب معتبره لغت عربی و نیز شاید برای مزید تکمیل و تدقیق استعانت از بعضی علما و ادبای درجه اول سوریه و مصر و عراقی میسر شود مانند کرملی که گویا در بغداد است، یا اعضای عرب لجنه لغت در قاهره، لکن برای تحقیق دقیق و صحیح و کامل لغاتی که بر حسب معروف فارسی است و همچنین لغات ترکی الاصل و از همه مشکلتر مغولی و هندی یونانی و سریانی نه و سائل کافی و نه عده کافی اشخاص خیر اهل اختصاص بدبختانه در ایران وجود ندارند و مخصوصاً برای کلمات فارسی هیچ میزانی در گذشته وجود نداشته و اشکال آن از همه بیشتر است. فرهنگهای موجوده ابدأ قابل اعتماد نیست و ضبط لغات و شواهد پر از تصحیف و تحریف است و در واقع کاری که باید شروع شود با قطع نظر از فرهنگهای موجود و تقریباً بدون مراجعه بآنها باید بعمل آید، مخصوصاً در تعیین اصل و تلفظ اصلی و اشتقاق اصلی و معنی اصلی لغات فارسی و تغییرات و تطورات آنها در ظرف قرون مدیده و اصل پهلوی یا اوستائی یا پارسی یا هخامنشی یا سغدی یا ختنی یا طخاری آنها و یا اقتباس آنها از بابلی یا آرامی یا سریانی یا ارمنی یا سانسکریت یا چینی یا یونانی یا لاتینی اهل خبره معتمد و معتبر و متبحر و محیط در ایران وجود ندارد و این علم و اشتقاق و اقتباس در ضبط صحیح کلمات فارسی اسلامی و معنی حقیقی آنها دخالت عمده دارد، لذا بنظر بنده چنین رسید که خوب میشد اگر در ضمن نقشه اساسی تألیف لغت فارسی در اولین مرحله قسمت لغات فارسی خالص آن یکی از علمای السنه در اروپا و گذار شود.

البته بر خاطر شریف پوشیده نیست که علم السنه در دارالفنونهای اروپا بشعباتی تقسیم شده و هر شعبه متخصصینی دارد که تمام عمر را بالانحصار بآن رشته مصروف نموده و در غور و تحقیق و تدقیق موضوعات مربوطه بآن میگذرانند و حتی در هر یک از تقسیمات جزء هر شعبه نیز متخصصینی وجود دارد، مثلاً در قسمت السنه هند و اروپائی (یا باصطلاح قدیم فرانسویان آریائی) دسته از علما در قسمت زبانهای یونانی و رومی

و فرقهٔ درزبانهای ژرمنی و جماعتی درزبانهای اسلاوی و جمعی نیز درزبانهای هندی و ایرانی (آریائی باصطلاح صحیح) تخصص دارند، حتی بواسطهٔ توزیع و تشعب رشته های علوم کار بجائی رسیده که همانطور که درعوض اطبای قدیم که برای تمام بدن انسانی طبابت میکردند حالا اطبای گوش و بینی و اطبای چشم و اطبای معده و روده و اطبای تناسلی و اطبای اعصاب و اطبای قلب و عروق پیدا شده و بلکه در یک رشته بظاهر کوچک هم بعضی کجالها در معالجهٔ اجزای چشم و بعضی دیگر در معالجهٔ عصب باصره تخصص و مهارت پیدا میکنند، در علوم السنه هم مراتب اختصاصی بشعب خزه هم شامل است، مثلاً متخصص السنه هند و ایرانی اگر چه علم کلی نسبت بسانسکریت و بالی و مراقی و کجراتی و پراکریت و کشمیری و سندی یا اوستائی و پهلوئی و فرس قدیم و سایر السنهٔ ایرانی دارد بعضی هستند که بخصوص غور و تعمقشان در شعبهٔ هندی این شجره بیشتر است و بعضی دیگر در شعبهٔ ایرانی بیشتر کار کرده اند و حتی در میان متخصصین السنهٔ ایرانی (ایرانیست) هم اشخاصی پیدا میشوند که در زبان اوستا بیش از همه عمر صرف کرده اند (مانند گلدنر و بارتولومه و جکسون و اشپیکل) و بعضی دیگر در زبان فرس قدیم بذل مساعی بیشتری نموده اند (مانند وایسباخ و تولمن و کینک و غیر هم) و بعضی در پهلوئی از همه بیشتر بالخصوص زحمت کشیده اند (مانند وست و هاوک و هنینگ و غیر هم) و بعضی درزبانهای ایرانی فرعی قدیم خارج از حدود فعلی ایران مانند سکائی و ختنی و صغدی و خوارزمی و پارتی و غیره کوشیده اند (مانند بنونست و گوتیو و کونوومیه و اندریاس و ویلی و توماس) و بعضی دیگر در لغات فرعی ایرانی دورهٔ اسلامی مانند هروی و پشتو و بلوچی و اوستی و یغناپی و اشکشمی و منجی و کافری (کتی - اشکوئی - پراسونی - والیکلی) و شوغانی و وخی و اور - موری و پراچی و خوری و یا زبانهای فرعی داخل ایران مانند گیلکی و مازندرانی و طالش و تاتی و سیوندی و نظنزی و قهرودی و یزدی و گبری و نائینی و سوئی و خونساری و گزپی و سمنانی و کردی و زاراتی و لری و بختیاری و قومزاری و میمهٔ و هرزندی و غیره عمر صرف کرده اند (مثل مورگنشترن و ژوکوسکی و اوسکارمان و غیر هم) و بعضی

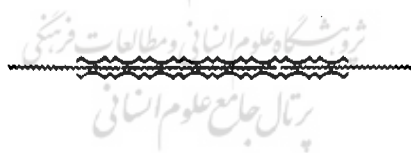
در فارسی دری معمول فصیح خودمان کوشیده و تخصص حاصل نموده اند .
بنابر این اگر یکی از متخصصین السنه ایرانی قدیم و جدید سراغ شود که علاوه
بر احاطه با کثر السنه هند و اروپائی و تبجر مخصوص در زبانهای هند و ایرانی و صرف
عمر بالخاصه در زبانهای ایرانی و دانستن اوستا و فرس قدیم و پهلوی و صفدی و ختنی و
پارتی و غیره بالاخص در زبان فارسی دوره اسلامی تخصص کامل و غور مخصوص داشته
باشد سزاوار است که تهیه اساس فارسی این مشروع عظیم و مفید بچنین کسی رجوع
شود چون وزارت فرهنگ درین زمان بوجود اهل علم آراسته و قطعاً چنین خیالات
و نقشه‌ها که عرض شد مورد توجه بوده و امید پیشرفت دارد و از طرف دیگر اینجانب
شخصی از علمای السنه ایرانی را سراغ دارم که جامع صفات مذکوره در فوق است و
مخصوصاً علاوه بر تبجر و در درجه اعلا در زبان پهلوی و صفدی و غیره در زبان فارسی
دری (اسلامی) تخصص کامل و تبجر خاص دارد بخاطر رسید که این فکر را که جز
نقش خیالی بیش نیست بآن وزارت محترمه که حل و عقد امور معرفت مملکت و
ملت ایران در دست اوست عرضه بدارم تا اگر اساس خیال مورد مطالعه و علاقه مندی
باشد شرح بسیار مبسوط تری از نقشه مذکور عرض شود و بتدریج درین عهد دست
باین کار مهم مفید که باقیات صالحات خواهد بود زده شود .

جنگ و انقلابات سیاسی و اقتصادی در گذر است ولی حیات ملی و معرفتی اقوام
مثل رود نیل دائماً جاری است و از این نهر فیاض ماهی را هر وقت بگیری تازه است .
برای اینکه زمینه مختصری راجع بتدوین لغات فارسی اصلی بدست آید از شخص
عالم مزبور که دکتر هنینگ نام دارد و فعلاً استاد السنه ایرانی در دارالفنون لندن است
خواهش کردم اگر ممکن است قبول چنین کاری را بکنند مجملی بنویسد و شرح ملفوف
را در نتیجه مذاکرات شفاهی بنده با او بقلم آورده است که تقدیم میشود اگر مورد
قبول واقع شود البته ترتیبی مانند کتبات باید با او داده شود . بدیهی است که اینکار
مخارجی خواهد داشت و حاجت به تهیه مقداری کتب اضافی خواهد بود لیکن نتیجه
بسیار عالی و فوق العاده خوب میشود .

البته در مورد مطالعه این امر سزاوار اینست که دانشمندان ایرانی را غیرت و عزت نفس مانع از تصور این شود که چگونه ممکن است شخص خسارچی تألیف یک فرهنگ فارسی را در عهده بگیرد چه این امر البته دلیل مزیت خارجیها در هوش و فهم و ادراک بر ایرانی نبوده بلکه فقط نتیجه آنستکه بعضی فنون که در اروپا از چند سال باینطرف مورد مطالعه و درس شده هنوز در ایران بمیزان کافی متخصص پیدا نکرده است و اگر ایرانیها هم در این راه قدم بردارند البته بزودی ترقی نمایانی در آن خواهند کرد و ما باید درین موضوع یعنی گران نیامدن فضیلت بعضی اروپائیان را در اینگونه امور از شاعر نکته سنج خود پیروی کنیم که گفته :

پذیرفت از او شاه مردان جواب که من بر خطا بودم او بر صواب
و مخصوصاً در باب لغت نویسی بخاطر آورد که فرهنگهای فارسی را غالباً تر کهایا هندیا نوشته اند.

خواهشمند است در صورتیکه این پیشنهاد مورد علاقه وزارت جلیله فرهنگ شده و احتمال ترتیب اثری بآن داده شود اینجانب را از نتیجه تصمیم خود مستحضر فرمایند.
وزیر مختار - حسن تقی زاده



از آثار متقدمین

دوست نه !

سرد است روزگار و دل از مهر سردنی ،
می سالخورد باید ، ما سالخوردنی ،
از صد هزار دوست ؛ یکی دوست ، دوست نه !
وز صد هزار مرد ، یکی مرد ، مردنی !